**وصیت امام باقر علیه السلام در آخرین لحظات**

شیخ كلینى در كتاب كافى به سند خود از امام رضا (ع) روایت كرده است كه امام باقر (ع) به هنگام احتضار فرمود: هنگامى كه به‏درود حیات گفتم زمین را برایم بشكافید و قبرى مهیا كنید پس اگر به شما گفتند براى رسول خدا (ص) لحد بوده است، تصدیق كنید.

نگارنده: این فرمایش بدان دلیل بوده است كه امام باقر (ع) شكافتن زمین را از برخى جهات بهتر مى‏دانسته اگر چه فضیلت لحد بالاتر بوده است.

كلینى به سند خود از امام صادق (ع) نقل كرده است كه فرمود: پدرم هر آنچه از كتب و سلاح و آثار و امانات انبیاء در نزد خود داشت، به من به ودیعت سپرد. پس چون لحظه وفاتش فرارسید به من گفت: چهار شاهد فرابخوان. من چهار تن از قریش را دعوت كردم كه یكى از آنان نافع مولاى عبد الله بن عمر بود.

پس به من فرمود: «بنویس این چیزى است كه یعقوب فرزندانش را بدان وصیت كرد كه اى فرزندانم خداوند دین را براى شما برگزید، پس نمیرید مگر آنكه تسلیم رضاى خداوند باشید.» و وصیت كرد محمد بن على به جعفر بن محمد و به وى فرمان مى‏دهد كه او را به جامه بردى كه هر جمعه در آن نماز مى‏خواند كفن كند و عمامه‏اش را بر سرش بندد و قبر او را چهار گوش و با فاصله چهار انگشت از زمین بلندتر قرار دهد و در موقع دفن، بندهاى كفن او را باز كند.

سپس به شهود فرمود: بازگردید، خداوند شما را رحمت كند! امام صادق (ع) گفت: به پدرم گفتم: اى پدر! در این وصیت چه بود كه بر آن شاهد طلب كردى؟ فرمود: پسرم! خوش نداشتم پس از من با تو به نزاع برخیزند به این بهانه كه به تو وصیت نكرده‏ام و مى‏خواستم بدین وسیله حجت و دلیلى براى تو قرار داده باشم.

در حقیقت امام باقر (ع) مى‏خواست به این وسیله همگان بدانند كه جعفر بن محمد (ع)، وصى و جانشین و امام بعد از اوست.

کلینى در كافى به سند خود از امام صادق (ع) روایت كرده است كه فرمود: پدرم روزى در ایام بیماریش به من گفت: پسرم گروهى از قریشیان ساكن مدینه را بدینجا فراخوان تا آنها را گواه بگیرم. من نیز چنین كردم. پس امام در حضور آنان به من فرمود: اى جعفر هنگامى كه من دنیا را وداع گفتم مرا بشوى و كفن كن و قبرم را چهار انگشت‏بالاتر از زمین قرار ده و بر آن آب بپاش. چون گواهان رفتند به پدرم عرض كردم: اگر مرا (در خلوت هم) به این كارها امر مى‏كردى، انجام مى‏دادم. چرا درخواستى تا عده‏اى را به عنوان شاهد به نزدت بیاورم؟ فرمود: پسرم مى‏خواستم با تو نزاع نكنند. (یعنى در امامت و خلافت از پس من با تو نزاع نكنند و بدانند كه تو وصى منى.)

كلینى در كافى به سند خود از امام صادق (ع) نقل كرده است كه فرمود: پدرم در وصیتش نوشته بود كه وى را در سه جامه كفن كنم. یكى رداى جمره‏اى او بود كه در روز جمعه با آن نماز مى‏خواند و دو پیراهن دیگر. پس به وى عرض كردم: چرا اینها را مى‏نویسى؟ فرمود: مى‏ترسم مردم با تو از در نزاع وارد شوند و بگویند او را در چهار یا پنج جامه كفن كن اما تو به گفتار آنان راه مرو. عمامه خودم را بر سرم بند و البته عمامه را جزو كفن محسوب مكن بلكه عمامه از چیزهایى است كه بدن را به آن مى‏پوشانند.

شیخ كلینى در كافى به سند خود نقل كرده است كه امام باقر (ع) وصیت كرد كه هشتصد درهم براى برگزارى مراسم سوگوارى او اختصاص دهند و این كار را از سنت مى‏دانست. زیرا پیامبر مى‏فرمود: براى خاندان جعفر طعامى فراهم آرید، آنان نیز به وصیتش عمل كردند.

برگرفته از:

 سیره معصومان، ج 5، ص 45، سید محسن امین، ترجمه: على حجتى كرمانى